

مطالعه جامعه‌شناختی حوزه‌های هم‌گرایی و واگرایی هویت ملی و هویت قومی
(مطالعه موردی: قوم لک)

علی رضائیان^۱

منصور وثوقی^۲

باقر ساروخانی^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۷

چکیده

این پژوهش به مطالعه جامعه‌شناختی حوزه‌های هم‌گرایی و واگرایی هویت قومی و هویت ملی قوم لک می‌پردازد. قوم لک، نه لر و نه کرد بلکه جزو اقوام اصیل مستقل ایرانی است که دارای قدمت تاریخی چند هزارساله بوده و زبان مردم لک، لکی است که جزو زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی، جامعه آماری تحقیق مردمان لک ساکن در ایران بوده و تعداد ۳۹۷ نفر از آن‌ها به‌عنوان حجم نمونه با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده است. نتایج بدست آمده مؤید قرار گرفتن ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت قومی در حوزه هم‌گرایی با هویت ملی و هم‌چنین قرار گرفتن احساس محرومیت و طردشدگی قومی در حوزه واگرایی با هویت ملی است. ضرایب استاندارد رگرسیون نشان می‌دهد که احساس محرومیت بیش‌ترین اثر تقویتی را بر متغیر هویت قومی و باستان‌گرایی و تعلقات قومی بیش‌ترین اثر تقویتی را بر هویت ملی دارند. هم‌چنین متغیر تحصیلات در هویت قومی نقش تضعیف‌بخش و در هویت ملی نقش تشدید‌بخشی را ایفا می‌نماید.

واژگان کلیدی: هویت، قومیت، ملیت، لک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). vosooghi_mn@yahoo.com

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در عصری که مدرنیته^۱ تمام مرزهای فرهنگی را درنوردیده و هیچ فرهنگی از گزند آن در امان نمانده است و تمام جوامع، گروه‌ها، اقوام و عناصر سنتی متشکله هویت بخش را در زیر فراروایت کلان نگرخویش به اغما برده است، به قول استوارت هال ناگزیر از بازگشت به پرسش هویت هستیم. موضوع هویت و ابعاد مختلف آن و نحوه آرایش آن‌ها از دغدغه‌های مهم و بنیادی جامعه‌شناسان ایرانی و اندیشمندان عرصه علوم اجتماعی و رفتاری می‌باشد.

تنوع فرهنگی و تکثر قومیتی در ایران از یک طرف و اهمیت سوق الجیشی و استراتژیک آن از طرف دیگر باعث شده که همواره در طول تاریخ کانون توجه باشد. تکثر هویتی ناشی از تنوع قومیتی در جامعه واحد ایرانی سزاوار بررسی جدی است. گستردگی موضوع و حضور پروبلماتیک هویت در پارادایم‌های فکری اندیشمندان ایرانی موجب شده است که «حدود ۴۰ درصد از پایان نامه‌های انجام گرفته در سطح کارشناسی ارشد و دکتری کم و بیش موضوع هویت را در دستور کار خویش داشته باشند» (مقصودی، ۱۱:۱۳۸۶).

در بین اقوام ساکن در ایران قوم لک^۲ جزو اقوامی است که علیرغم سابقه تاریخی و بسیار طولانی، ناشناخته مانده است. مردمان لک در کشور ایران پراکنده‌اند هر چند که بیش‌تر در استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان مقیم اند. زبان این مردمان لکی است و از نظر راولینسون مشتق شده از زبان فارسی باستان بوده که هم‌زمان با زبان پهلوی به‌طور جداگانه و مشخص صحبت شده است (توسلی و قلی‌پور، ۸۲:۱۳۸۶). هم‌چنین از لحاظ گروه‌بندی زبان‌ها، جزو زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی محسوب می‌شود (دبیر مقدم، ۱۳۹۲: ۸۶۲).

پراکندگی مردمان لک در استان‌های مختلف کشور اعم از لرستان، کرمانشاه، ایلام، همدان، قزوین، قم، خراسان، استان‌های شمالی کشور، جمهوری داغستان و حتی شهرهای کلار، خانقین، و منطقه گرمیان کردستان عراق و همزیستی آنان با اقوام لر و کرد، موجب ابهام هویتی و مغلطه انگ زنی هویتی در مورد آنان را فراهم نموده است. پراکندگی مردمان لک در نقاط مختلف داخل و خارج از کشور ایران و همچنین دیدگاه‌های ضد و نقیض مستشرقینی مثل مینورسکی (۱۳۷۹)، راولینسون (۱۳۶۰) و پژوهشگران داخلی همچون ایزدپناه (۱۳۸۴)، امان الهی بهاروند (۱۳۸۵)، عبدی (۱۳۹۱) و دبیر مقدم (۱۳۹۲) در مورد هویت زبانی قوم لک و عدم مطالعه منسجم و علمی و در نهایت فقدان شفافیت در مورد هویت قومی آنها باعث شده است که برخی محققین آن‌ها را به اشتباه جزو قوم لر و یا قوم کرد تلقی نمایند و یا برداشت هویت پیوندی از آن‌ها داشته باشند. اما این در حالی است که تأکید گروه سوم بر هویت مستقل قوم لک می‌باشد. قومی مستقل و اصیل ایرانی که دارای مفاخر بزرگی هم‌چون کریم خان زند (وکیل

1- Modernity

2- Lak

الرعايا)، لطفعلی خان زند، خوشین، باباطاهر عریان، بابابزرگ، ملاپیشان، ترکمیر و ... می‌باشد. در مورد ریشه قومی و هویت قوم لک، مطالب گوناگون و گاه مشابهی مطرح شده است که همه آن‌ها در حد فرضیه باقی مانده است. اما در این میان آنچه که موجب مبهم بودن هویت قومی مردمان لک به‌عنوان «مجموعه‌های گنگ» (برتون، ۱۳۸۴) به معنای مجموعه‌هایی که فاقد قابلیت طبقه‌بندی در یک زیرمجموعه خاص گشته، مواجهه و رویارویی آن‌ها با مدرنیته بوده است. هرچند که مدرنیزاسیون در مناطق لک نشین تأثیرات عمیق و آشفته‌کننده هویتی برجای گذاشته است اما برطبق رویکردهای تفسیری، افراد زندگی اجتماعی را بر ساخت می‌کنند، دگرگونی‌هایی در آن به‌وجود می‌آورند و یا آن را بازسازی می‌کنند. مردمان لک در مواجهه با سایر اقوام در برهه‌ای از زمان و تاریخ کهن ایران در جایگاه اکثریت قرار گرفته و برای مدتی کوتاه اما متفاوت با دگر ادوار تاریخی ایران بر اریکه قدرت نشسته (حکومت زندیه) و به‌واسطه پایدار نبودن شرایط و مناسبات اکثریت- اقلیت قومی در تاریخ ایران این جایگاه را از دست داده و بنا به دلایل تاریخی و قانون آلاکلنگ بازی مناسبات قومی اقلیت- اکثریت در ایران مورد بی‌مهری و حتی غضب قرار گرفته به گونه‌ای که در سایر ادوار تاریخی آنان را مجبور به کوچ اجباری و سکونت در اقصی نقاط ایران می‌نمایند. همین عامل می‌تواند یکی از دلایل پراکندگی لک‌ها باشد.

از آنجایی که هویت برقرار نمودن توازن میان خود و دیگران بوده و با اعتقاد به دوسویه و دیالکتیکی بودن هویت، این مقاله درصدد بررسی ابعاد هویت قوم لک و شناخت حوزه‌های هماهنگی و همگرایی و یا تقابل و واگرایی ابعاد هویتی قومی و ملی آن‌ها و جوابگویی به سوالات زیر می‌باشد:

۱- میزان گرایش مردمان لک به هویت قومی و هویت ملی چگونه است؟

۲- حوزه‌های هم‌گرایی و هماهنگی هویت ملی و هویت قومی کدامند؟

۳- حوزه‌های واگرایی و عدم هماهنگی هویت ملی و هویت قومی کدامند؟

۴- عوامل مؤثر بر گرایش افراد به سطوح هویتی قومی و ملی کدامند؟

حفظ هویت بومی اقوام ایرانی به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی از یک سو و همسویی آن‌ها با هویت ملی از سوی دیگر از دغدغه‌های کنشگران در زندگی روزمره و همچنین خمیرمایه پارادایم‌های فکری اندیشمندان ایرانی است. شناخت نقش هر کدام از مؤلفه‌های هویت بخش، و تعامل ابعاد هویتی قومی و ملی و شناخت تمایل کنشگران به برجسته‌سازی ابعاد خاص هویت قومی از مهم‌ترین دلایل ضرورت بخش تحقیق بوده است.

مروری بر پیشینه تجربی تحقیق نشان می‌دهد که در مورد هویت قوم لک تحقیقات اندکی انجام گرفته است اما در مورد هویت به معنای عام آن و نسبت بین هویت قومی و هویت ملی تحقیقات فراوانی انجام گرفته است. ابراهیم حاجیانی در مطالعه نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، به این نتیجه رسیده که هویت قومی و هویت ملی هر دو در میان اقوام ایرانی، به‌طور توأمان قوت و

برجستگی دارند و میان آن‌ها تعارض وجود ندارد. هم‌چنین میان ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت قومی با ابعاد فرهنگی هویت ملی رابطه مثبت و قوی وجود دارد، اما ابعاد سیاسی این دو نوع هویت رابطه منفی دارند (حاجیان، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

سنجش هویت قومی ایرانیان پژوهشی است که توسط فروزنده جعفرزاده‌پور (۱۳۹۳) انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل اقوام کرد، ترک، بلوچ، لر، عرب، ترکمن و فارس است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، نزدیک به نیمی از پاسخگویان بدون توجه به قومیت آنان، دارای هویت قومی بسیار قوی تا قوی هستند.

هرمنسن و محروق خان در تحقیقی با روش کیفی هویت دختران سما (دختران آمریکائی مسلمان آسیای جنوبی) را در سه موقعیت مسلمانی، آسیایی و یا آمریکایی که می‌تواند انتخابی، موقعیتی و یا مباحثه‌ای باشد مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج تحقیق هرمنسن و محروق خان نشان می‌دهد که هویت به‌طور فزاینده‌ای بر ساخت می‌شود و به‌عنوان یک انتخاب در میان سایر انتخاب‌های ممکن ظهور می‌یابد. دو ویژگی «شجاعت» و «اعتماد به نفس» در نزد دختران سما باعث شده که آن‌ها احساس قدرت نموده و در میان سه عنصر هویتی‌شان که شامل مسلمان بودن، آمریکائی و قومیت آسیای جنوبی می‌شود بالانس ایجاد نمایند (Hermansen & Mahruq Khan, 2009: 94).

اریک انونبی در تحقیقی تحت عنوان «کرد یا لر؟ هویت مناقشه برانگیز لک‌ها در استان لرستان ایران» به مطالعه گروه قومی لک‌های مقیم لرستان پرداخته است. وی ضمن تقسیم لک‌ها به دو گروه پیش کوه و پشت کوه، بین زبان لکی و لری تمایز زبان‌شناختی قائل شده و لکی را زبانی مستقل دانسته و اذعان می‌دارد که هرگونه مشابهت میان لکی پیش کوهی و لری نتیجه‌ی همزیستی قومی لک‌ها با لرها بوده و این مسأله نمی‌تواند نشانی بر یکی بودن این دو قوم اصیل ایرانی باشد (Anonby, 2015: 12). غلام عباس توسلی و سیاوش قلی‌پور (۱۳۸۶) در پژوهشی هویت فرهنگی قوم لک را با روش کیفی مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج بدست آمده از تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که لک‌ها علیرغم تفاوت‌های فرهنگی که درمیان خویش دارند، برخی خصیصه‌های فرهنگی مشترک دارند که مشخصاً بیانگر هویت قومی آن‌ها است. پژوهش انجام گرفته توسط توسلی و قاسمی (۱۳۸۱) در ایلام نشان می‌دهد که تعلق خاطر اقوام ساکن در استان ایلام به هویت ملی و منطقه‌ای بالاست. ربانی و حسنی (۱۳۹۰) در تحقیقی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان که با روش پیمایش و حجم نمونه ۴۹۰ نفری انجام گرفته به این نتیجه رسیده‌اند که احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی همبستگی معکوس و نسبتاً قوی دارد.

نتایج حاصله از آزمون متغیر عدالت قومی و هویت در مطالعه حسینی‌علی میرزائی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که هر چقدر پاسخگویان تصور کنند که عدالت قومی در کشور بیش‌تر است به همان نسبت از لحاظ هویت قومی ضعیف‌تر بوده و در عوض از لحاظ هویت دینی و ملی در سطح بالاتری قرار دارند.

پرسش از هویت^۱ به معنای پرسش از چیستی و کیستی یک فرد، گروه، و یا جامعه است. پرسش از هویت تاریخچه‌ای به قدمت بشریت دارد. سوالی که همواره در مورد مبدأ و منشاء بشر و مقصد وی ذهن انسان را به خویش مشغول ساخته است. از خاستگاه ادبی گرفته تا خاستگاه دینی، تاریخی و اجتماعی همواره چیستی و کیستی انسان جایگاه در خور توجهی داشته است. واژه هویت به دو معنای ظاهراً متناقض به کار می‌رود (۱) همسانی و یکنواختی مطلق (۲) تمایز که دربرگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان. گرچه دو معنای نام برده متناقض و متضاد به نظر می‌آیند، ولی به دو جنبه اصلی و مکمل هویت معطوف هستند (گل محمدی، ۱۳۹۳: ۲۲۲).

در حوزه علوم اجتماعی نیز از جامعه‌شناسان کلاسیک از جمله وبر، زیمل، مید و... گرفته تا جامعه‌شناسان متأخری مثل جنکینز، کاستلز، گیدنز، رابرتسون، تاجفل و... هر کدام از زاویه و دید خاصی به مفهوم هویت پرداخته و در صدد تئوریزه نمودن سطوح هویت بوده‌اند. بر اساس نظریه مید، خود که معادل هویت است می‌تواند چندگانه و متکثر باشد. و منظور از هویت اجتماعی آن دسته از ویژگی‌هایی است که فرد را در ارتباط احساس تعلق و تعهد با دیگران قرار می‌دهد. هر چند که تئوری هویت بیش‌تر ریشه در کارهای نظریه‌پردازان اولیه کنش متقابل نمادین دارد، تاجفل و ترنر در نظریه هویت اجتماعی، هویت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «درک فرد مبنی بر اینکه متعلق به گروه‌های اجتماعی معینی می‌باشد و این تعلق با اهمیت دادن احساس و ارزش به عضویت گروهی خود همراه است» (عالمی، ۱۳۸۰: ۴۵). در این نظریه بر هویت‌های اجتماعی متعدد، سطوح مختلف آن‌ها، برجستگی هویت اجتماعی و چگونگی فرآیند تولید برجستگی هویت‌های مختلف تأکید و توجه بیش‌تری معمول شده است. بر اساس تئوری هویت اجتماعی عضویت گروهی به خودی خود، مقوله‌بندی^۲ درون گروهی را ایجاد می‌نماید. در واقع تاجفل بین هویت اجتماعی و عضویت گروهی ارتباط برقرار می‌کند، او عضویت گروهی را شامل سه عنصر: الف) عنصر شناختی که به میزان آگاهی شخص به متعلق بودن در یک گروه برمی‌گردد. ب) عنصر ارزشی که شامل محاسباتی می‌شود که فرد درباره پیامدهای مثبت و یا منفی عضویت گروهی دارد. ت) عنصر احساسی که به میزان احساسات نسبت به یک گروه و نیز افراد دیگری که رابطه ویژه‌ای با آن گروه دارند، می‌داند (گل محمدی، ۱۳۹۳: ۲۲۳). در نزد ترنر نظریه هویت اجتماعی در واقع دو نظریه مرتبط به هم را شامل می‌شود در حالی که بحث نظریه هویت اجتماعی^۳ ارتباطات بین گروهی و مخصوصاً سوگیری درون گروه و کشمکش اجتماعی است، نظریه خود مقوله‌بندی بر فرآیند های مرتبط با پیوستگی و تعاون و تأثیر پذیری اجتماعی شکل گرفته است (Turner & Haslem, 2001: 20).

از دیگر نظریه‌پردازان هویت اجتماعی ریچارد جنکینز می‌باشد که طبق نظریه ایشان افراد در فرآیند جاری تعامل اجتماعی و جامعه‌پذیری است که خود و دیگران را تعریف و باز تعریف می‌نماید و خود در

1- Identity

2- Categorization

3- Social Identity Theory

عمل و همزمان از تعریف خود و دیگران حاصل می‌شود. دیالکتیک بیرونی و درونی فرآیندی است که به واسطه آن‌ها همه هویت‌ها اعم از فردی و اجتماعی ترکیب می‌یابند (جنکینز، ۱۳۸۰: ۳۵). قومیت و ملیت از جمله سطوح هویتی مناقشه برانگیز مطروحه در علوم اجتماعی هستند که در این تحقیق به‌عنوان هویت‌های سطح میانی و کلان به آن‌ها پرداخته می‌شود. در تعریف قومیت ماکس وبر بر اجتماع سیاسی، دورکیم بر آگاهی جمعی، زیمل بر تعلق گروهی، جنکینز بر معانی مشترک، کلدبرگ بر ابزار استدلال، آندرسون بر گفتمان، تئودرسون بر فرهنگ مشترک، اشنایدر بر نژاد، کدوری بر تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، اشکرف بر عناصر نمادین، اریکسون بر تمایزات فرهنگی و بالاخره بارت بر عوامل ذهنی تأکید می‌کنند (ملشوویچ، ۱۳۹۰).

در میان عناصر هویت بخش قومی می‌توان ادعا نمود که زبان فراگیرترین عنصر مشترک هویتی است که زمینه‌ساز محکم‌ترین تعهدات اجتماعی بوده، چنانچه پاره فرهنگ‌های قومی و محلی، اغلب با تکیه بر اشتراکات زبانی است که هویت خود را در درون یک جامعه بزرگ‌تر حفظ نموده‌اند (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۶).

در حالیکه احمدی (۱۳۸۸) هویت قومی را نوعی هویت اجتماعی^۱ می‌داند که مبنای شناسایی افراد قرار می‌گیرد. فکوهی (۱۳۹۱) خصوصیات یک قوم را نیاکان مشترک، سرزمین مشترک، زبان مشترک، فضاهای مشترک زیستی، رسوم و آداب مشترک، ارزش‌های مشترک، احساس تعلق به یک گروه واحد معرفی می‌نماید. به هر روی در مبحث هویت ایرانی، همواره هویت قومی یکی از ابعاد مهم هویت ایرانیان به حساب می‌آید چرا که کشور ایران یک کشور کثیر القوم بوده و دارای ۵۰ زبان و صدها گویش محلی بوده که واقعیت ساختاری آن‌را به نمایش می‌گذارد (فکوهی، ۱۳۹۱: ۱۰).

واژه‌های ملی و ملیت قدمت چندانی ندارند بلکه بعد از شکل‌گیری دولت‌های اروپایی و پس از انقلاب صنعتی وارد واژگان علوم اجتماعی شده‌اند هر چند که احساس تعلق به سرزمین قدمتی دیرینه دارد. آنتونی اسمیت هویت ملی را چنین تعریف می‌کند: «منظور از هویت ملی، وجود احساس اجتماعی سیاسی است. یک اجتماع سیاسی به نوبه خود حداقل به وجود برخی نهادهای مشترک و مجموعه واحدی از حقوق و وظایف برای اجتماع اشاره می‌کند. اجتماع سیاسی هم‌چنین به یک فضای اجتماعی قطعی و یک سرزمین برخوردار از مرزهای شناخته شده اشاره می‌کند که اعضاء بدان وسیله خود را تعریف کرده و به آن احساس تعلق می‌کنند» (احمدی، ۱۳۹۰: ۶۶).

حس تعلق^۲ افراد به یک مجموعه تحت عنوان ملت قدر مشترک نظریه‌پردازان حوزه هویت است. اما به هر حال مفهوم هویت ملی از جمله مفاهیمی است که دامنه وسیعی داشته و همواره مورد مناقشه بوده است. مسعود چلبی دو عنصر پایبندی ملی، مشارکت و تعهد عام را عناصر مهم هویت ملی می‌داند و

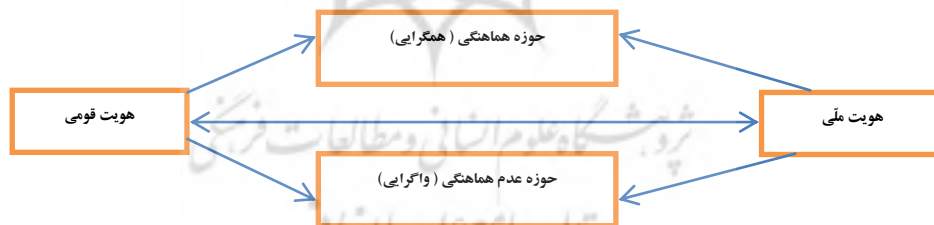
1- Social identity
2- Belonging

معتقد است که هویت ملی با چهار ویژگی تعاملات اجتماعی، عام‌گرایی، عدالت توزیعی و اقتدار مشروع نظام معنا پیدا می‌کند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۷۷).

در مورد استعمال هویت ملی برای ایران، جواد طباطبایی (۱۳۹۴) معتقد است که: «ایران یک نظریه است» و ما قبل از اینکه کلمه «ملت» در معنای امروزی را داشته باشیم، به صورت طبیعی ملت ایران را داشتیم، حال آنکه ملت‌های اروپایی نتیجه و مولود کلمه «ملت» در معنای جدید هستند. هم‌چنین از نظر احمدی دیدگاه‌های مدرنیستی هم‌چون آندرسون، هابساوم و گلنر که پیدایش ملت را به ظهور سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی نسبت می‌دهند قادر به تبیین مسئله ملت در ایران نیستند، بلکه دیدگاه افرادی چون آمستردانگ، آنتونی اسمیت و دیوید میلر که به وجود ملت‌های پیش از دوران مدرن باور دارند بیش‌تر قادر به تبیین پیدایش و تکامل ملت در ایران می‌باشند (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

به هر روی، پدیده ملت در ایران ماهیتی تاریخی داشته و قدمت آن به رویدادهای و تحولات سیاسی و اجتماعی پیش از اسلام می‌رسد. با این حال در یک جمع بندی کلی در مورد مفهوم ملت و هویت ملی ایرانی می‌توان اذعان داشت که هویت ایرانی نوعی احساس تعلق و وابستگی به محدوده جغرافیایی، تاریخ و فرهنگ ایرانی است که قدمتی دیرینه داشته و در ادوار تاریخی هویت‌های محلی^۱ و قومیت‌های تشکیل دهنده این هویت واحد در آن همزیستی فرهنگی خود را به نمایش گذاشته‌اند.

با عنایت به پیوستگی و تداوم هویت‌های قومی و هویت ملی به معنای هویت‌های جمعی در سطوح میانه و کلان، مدل نظری تحقیق که بیانگر روابط میان متغیرهای پژوهش است به شکل زیر می‌باشد.



شکل (۱): مدل نظری تحقیق

روش

جهت سنجش ابعاد هویت قومی و هویت ملی و نحوه آرایش این ابعاد هویتی در کنار همدیگر اعم از همگرایی و یا واگرایی از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق مردمان لک می‌باشند که در استان‌های مختلف کشور ایران اعم از لرستان، کرمانشاه، همدان، قزوین، قم، خراسان و

1- Locality

و متخصصین و برای سنجش پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کلی پرسشنامه ۰/۹۲ بوده است. داده‌های به دست آمده در نرم افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول (۱): ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

مقدار آلفا	متغیرها
۰/۸۰۳	هویت ملی
۰/۹۰۲	هویت قومی
۰/۷۱۲	رضایت ازدیگری
۰/۷۲۰	رضایت از زندگی
۰/۸۵۰	علاقه قومی
۰/۸۸۲	احساس محرومیت
۰/۷۹۵	بعد فرهنگی هویت قومی
۰/۷۹۲	بعد اجتماعی هویت قومی
۰/۸۱۰	قوم مداری

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۵۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد نیز زن بوده‌اند. از لحاظ متغیر محل سکونت ۳۰ درصد از استان لرستان، ۲۹/۵ درصد از استان کرمانشاه، ۲۱/۳ درصد از استان ایلام و ۱۹/۵ درصد نیز از استان همدان بوده‌اند. از لحاظ تحصیلات ۳۵/۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۰/۵ درصد متوسطه و ۲۴ درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. همچنین ۴۶ درصد متأهل و ۴۴ درصد مجرد بوده‌اند.

سوال اول تحقیق در ارتباط با سنجش میزان گرایش مردم لک به هویت قومی و هویت ملی است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که گرایش مردم لک به هویت قومی (۷۴/۸٪) و هویت ملی (۸۵٪) در سطح بالایی می‌باشد. نکته قابل اعتنا فزونی درصد گرایش افراد به هویت ملی در قیاس با هویت قومی است.

جدول (۲): شدت گرایش به هویت قومی و هویت ملی

هویت	شدت گرایش (درصد)		
	قوی	متوسط	ضعیف
قومی	۷۴/۸	۱۶/۶	۸/۶
ملی	۸۵/۳	۱۰/۳	۴/۴
جمع	۱۰۰		۱۰۰

مقایسه سطوح هویت قومی و ملی؛ چگونگی رابطه هویت ملی و هویت قومی لک‌ها و هم‌چنین هماهنگی و یا تعارض این سطوح هویتی از مهم‌ترین اهداف تحقیق بوده است. برای پی بردن به اینکه کدام سطح هویتی (ملی یا قومی) از شدت بیش‌تری در نزد مردمان لک برخوردار است از آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده شده است.

جدول (۳): مقایسه میانگین سطوح هویت ملی و هویت قومی

ترتیب	سطوح هویتی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	T	درجه آزادی	معناداری
۱	ملی	۳۹۷	۴/۲۷	۰/۸۷۴	۰/۰۴۲	۱۰۰/۷۴۴	۳۹۶	۰/۰۰۰
۳	قومی	۳۹۷	۳/۹۹	۰/۹۸۹	۰/۰۴۹	۸۰/۴۱۷	۳۹۶	۰/۰۰۰

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هویت ملی با شدت گرایش ۴/۲۷ در مقایسه با هویت قومی از میانگین بالاتری برخوردار است و هویت قومی با میانگین ۳/۹۹ در مرتبه دوم قرار دارد. ارتباط بین هویت قومی و هویت ملی مبنی بر تداوم و پیوستگی بین آن‌ها فرضیه شماره یک تحقیق بوده است. برای آزمون فرضیه مذکور از آزمون گاما استفاده شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون رابطه بین هویت قومی و هویت ملی

متغیر	تعداد	سطح معنی داری	گاما	کنندال تاو بی
هویت قومی و هویت ملی	۳۹۷	۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۱۷۵

مقدار سطح معنی داری (Sig= 0.000) در آزمون همبستگی گاما نشان می‌دهد که بین دو متغیر هویت قومی و هویت ملی در سطح یک درصد خطا رابطه معنادار وجود دارد. مقدار گاما (۰/۴۲۶) مؤید این است که هر چه بر شدت قوم‌گرایی افزوده می‌شود به همان نسبت بر شدت گرایش به هویت ملی افزوده می‌شود و هر چه که از شدت قوم‌گرایی کاسته می‌شود به همان نسبت از شدت ملی‌گرایی کاسته می‌شود. نتایج آزمون بین دو متغیر هویت قومی و هویت ملی مؤید این ادعاست که شدت و ضعف این سطوح هویتی در یک راستاست. به عبارتی تضاد و تعارضی بین قوم‌گرایی و ملی‌گرایی در بین مردمان لک ایران وجود ندارد. آن‌ها لک بودن را ایرانی بودن و هویت ایرانی خویش را معادل هویت قومی خویش قلمداد می‌نمایند. بنابراین فرضیه شماره یک تحقیق نیز با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. وجود همبستگی بین دو نوع هویت قومی و هویت ملی مؤید هم راستا بودن و هماهنگی بین این دو بعد هویت به صورت کلی است. برای مشخص شدن ابعاد هویت قومی از روش تحلیل عامل استفاده شده و نتایج آن مشخص می‌نماید که اولاً آزمون تحلیل عامل معنادار بوده (Sig= 0.000) و در ثانی مقدار (kmo= 0.90) مبین همبستگی قوی گویه‌ها با یکدیگر است. ثالثاً هویت قومی دارای چهار بعد یا عامل می‌باشد که عبارتند از: ۱- بعد فرهنگی ۲- بعد اجتماعی ۳- بعد سیاسی (احساس محرومیت) ۴- بعد قوم مداری. برای مقایسه ابعاد هویت قومی از آزمون مقایسه میانگین استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول زیر گزارش شده است.

جدول (۵): مقایسه میانگین ابعاد هویت قومی (معلی)

ترتیب	بعدهویتی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	T	درجه آزادی	معناداری
۱	اجتماعی	۳۹۲	۴/۰۹	۰/۹۶۰	۰/۰۴۸	۸۴/۲۰۲	۳۹۱	۰/۰۰۰
۲	فرهنگی	۳۹۲	۳/۶۸	۱/۰۳۳	۰/۰۵۲	۷۰/۵۶۲	۳۹۱	۰/۰۰۰
۳	سیاسی	۳۹۲	۳/۶۲	۰/۹۲۲	۰/۰۴۶	۷۷/۶۵	۳۹۱	۰/۰۰۰
۴	قوم مداری	۳۹۲	۲/۶۳	۱/۱۳۳	۰/۰۵۷	۴۵/۹۳۰	۳۹۱	۰/۰۰۰

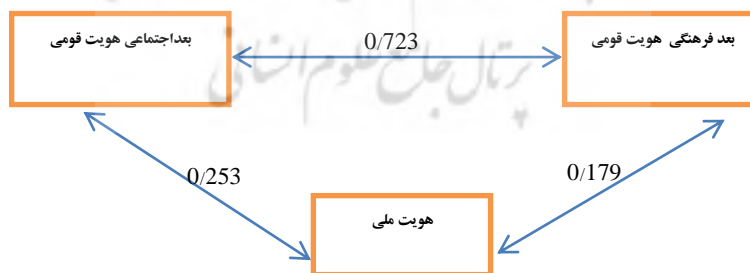
مقدار سطح معناداری گزارش شده (Sig) در ستون آخر جدول فوق معنادار بودن آزمون مقایسه میانگین را در سطح یک درصد خطا نشان می‌دهد. همچنین مقادیر گزارش شده در ستون چهارم جدول تحت عنوان میانگین وضعیت مقایسه میانگین‌ها و همچنین اولویت‌بندی ابعاد چهار گانه هویت قومی را به نمایش می‌گذارد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بعد اجتماعی هویت قومی یعنی تعلق خاطر به مردمان لک زبان و پیوستگی اجتماعی با سایر اقوام کرد و لر با میانگین ۴/۰۹ در اولویت اول قرار دارد که مؤید همزیستی قوی و قابل تحسین قومی است و بعد فرهنگی یعنی تلاش برای حفظ و تقویت مؤلفه‌های قومی مثل زبان لکی، پوشش بومی، حفظ مفاخر تاریخی و فرهنگی و افتخار به آن‌ها با میانگین ۳/۶۸ در رتبه دوم، بعد سیاسی یا همان احساس محرومیت و طرد شدگی با میانگین ۳/۶۲ در رتبه سوم، و بعد قوم مداری با میانگین ۲/۶۳ در رتبه آخر قرار دارد.

اما آنچه در این میان حائز اهمیت بوده سنجش همبستگی ابعاد هویت قومی با هویت ملی می‌باشد که یافته‌های تحقیق در این زمینه در قالب جدول بعدی گزارش می‌گردد.

جدول (۶): نتایج آزمون رابطه بین ابعاد هویت قومی با هویت ملی

ابعاد هویت قومی	تعداد	Sig	پیرسون
بعد فرهنگی	۳۹۱	۰/۰۰۰	۰/۱۷۹
بعد اجتماعی	۳۹۱	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳
بعد سیاسی	۳۹۱	۰/۱۴۶	-۰/۰۷۳
قوم مداری رفتاری	۳۹۱	۰/۴۷۶	-۰/۰۳۶

جدول فوق نتایج آزمون رابطه بین ابعاد چهار گانه هویت قومی با هویت ملی را به نمایش می‌گذارد. مقادیر سطوح معناداری (Sig) گزارش شده در جدول نشان می‌دهد که ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت قومی با هویت ملی رابطه معنا دار دارد و بین ابعاد سیاسی و قوم مداری با هویت ملی رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.



شکل (۲): مدل تجربی تحقیق

نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی بین ابعاد هویت قومی و هویت ملی عرصه‌های هم‌گرایی و واگرایی هویت قومی و ملی را مشخص می‌نماید. به عبارتی ما با دو وضعیت

هماهنگی (همگرایی) و عدم هماهنگی (واگرایی) هویتی قومی و ملی مواجهه هستیم. در ابعاد فرهنگی و اجتماعی ما شاهد نوعی هماهنگی و همگرایی بین هویت قومی و هویت ملی بوده، اما آنچه در این میان حائز اهمیت و در خور توجه می‌باشد حوزه عدم هماهنگی و یا به عبارتی حوزه واگرایی و تعارض ابعاد هویت قومی و هویت ملی می‌باشد. بعد سیاسی هویت قومی یا احساس محرومیت و همچنین بعد قوم‌مداری هویت قومی با هویت ملی هماهنگی و همبستگی ندارند. نتایج بدست آمده در این بخش پاسخگوی سوالات شماره دو و سه تحقیق می‌باشند. حوزه واگرایی و تقابل هویت قومی و هویت ملی می‌تواند تضعیف بخش هویت ملی و همچنین تهدید بخش وحدت قومی باشد. یافته‌های تحقیق در این بخش در راستای یافته‌های پیشین محققینی هم‌چون حاجیانی (۱۳۸۷) و صالحی امیری (۱۳۸۸) و هاشمی (۱۳۹۲) مبنی بر محرومیت نسبی در بین اقوام ایرانی می‌باشد.

هویت ملی و عوامل چند گانه؛ آنچه در بحث هویت قومی و ملی، مهم و اساسی به نظر می‌رسد عوامل مؤثر بر گرایش‌های هویتی است. جهت سنجش عوامل تأثیرگذار بر هویت قومی و هویت ملی از متغیرهای چندگانه ای استفاده شده است. نتایج آزمون پیرسون بین عوامل چندگانه و گرایش به هویت ملی نشان می‌دهد که بین متغیرهای باستان‌گرایی، تعلقات قومی (شامل پوشش بومی، موسیقی و مفاخر بومی) تحصیلات، گرایش به موسیقی سنتی، رضایت از زندگی، و رضایت از روند امور جاری کشور با شاخص هویت ملی همبستگی مثبت وجود دارد.

تحلیل رگرسیون چند متغیره هویت ملی؛ نتایج تحلیل چند متغیره به تفکیک متغیرهای وابسته و ضریب استاندارد بتا (β) متغیرهای مستقل در مدل‌های رگرسیونی متغیر وابسته هویت ملی در جداول زیر منعکس شده است. در این مدل رگرسیونی با به پیش‌بینی و تبیین متغیر وابسته پرداخته می‌شود.

جدول (۷): خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره برای هویت ملی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	اشتباه معیار میانگین
۱	۰/۳۶۸	۰/۱۳۵	۰/۱۲۱	۰/۸۲۵۵۶

جدول (۸): ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده هویت ملی

مدل	مجموعه درجات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
تبیین شده	۳۶/۱۸۷	۶	۶/۰۳۱	۹/۲۹۴	۰/۰۰۰
تبیین نشده	۲۳۱/۶۶۷	۳۵۷	۰/۶۴۹		
کل	۲۶۷/۸۵۴	۳۶۳			

نتایج گزارش شده در جداول فوق نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی معنادار بوده (Sig= 0.000) و همچنین مقدار R^2 گزارش شده (۰/۱۳۵) بیانگر این مسأله می‌باشد که ۱۳ درصد واریانس متغیر وابسته (هویت ملی) به وسیله متغیرهای مستقل وارد شده در مدل قابل تبیین می‌باشد.

جدول (۹): ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده هویت ملی

معناداری	آزمون T	ضریب بتا رگرسیون استاندارد شده	ضرایب استاندارد شده		مدل ۱
			اشتباه استاندارد	ضرایب رگرسیون جزئی	
۰/۰۰۰	۷/۰۰۸		۰/۳۰۶	۲/۱۴۴	مقدار ثابت
۰/۰۰۶	۲/۷۷۶	۰/۱۳۹	۰/۰۶۹	۰/۱۹۲	تحصیلات
۰/۰۰۴	۱/۹۳۶	۰/۰۹۸	۰/۰۱۱	۰/۰۲۱	گرایش به موسیقی سنتی
۰/۰۰۰	۳/۸۴۸	۰/۱۹۶	۰/۰۶۳	۰/۲۴۳	تعلقات قومی
۰/۰۹۳	۱/۶۸۴	۰/۰۹۲	۰/۰۳۵	۰/۰۶۰	رضایت از زندگی
۰/۱۱۵	۱/۵۸۰	۰/۰۸۷	۰/۰۴۰	۰/۰۶۳	رضایت از امور جاری
۰/۰۰۰	۴/۰۹۴	۰/۲۰۴	۰/۰۳۳	۰/۱۳۶	باستان گرایی

جدول مذکور ضرایب استاندارد بتا (β) را برای هر کدام از متغیرهای مستقل انتخاب شده در مدل را نشان می‌دهد. از بین متغیرهای مستقل انتخاب شده باستان گرایی، تعلقات قومی (شامل پوشش، موسیقی و مفاخر بومی) تحصیلات، گرایش به موسیقی سنتی، رضایت از زندگی، و رضایت از روند امور جاری کشور به ترتیب بیشترین اثر تقویتی را بر هویت ملی دارند. بنابراین مقادیر بتا مشخص می‌کند که در پیش‌بینی متغیر هویت ملی در مدل رگرسیونی مذکور، باستان گرایی و تعلقات قومی بیشترین اثر تقویتی را دارند.

هویت قومی و عوامل چندگانه؛ برای سنجش رابطه بین متغیر هویت قومی و عوامل چندگانه از آزمون پیرسون استفاده شده است. سطح معنی‌داری گزارش شده نشان می‌دهد که بین عوامل چندگانه انتخاب شده و هویت محلی در سطح یک درصد خطا (Sig=0.001) رابطه معنادار وجود دارد. مقادیر پیرسون گزارش شده که پاسخگوی بخش دوم سوال شماره چهار تحقیق نیز می‌باشد نشان می‌دهد که بین متغیرهای رضایت از زندگی، رضایت از دیگری، احساس محرومیت، و علائق قومی اعم از مفاخر بومی، پوشش محلی و موسیقی بومی با متغیر هویت قومی همبستگی مثبت وجود دارد. بدین مفهوم که هرچه بر شدت عوامل مذکور افزوده شود بر شدت گرایش به هویت قومی نیز افزوده می‌شود. همچنین مقادیر پیرسون برای متغیرهای تحصیلات و میزان مطالعه نشان می‌دهد که بین این دو عامل و هویت محلی همبستگی منفی وجود دارد. به عبارتی هرچه به میزان تحصیلات و میزان مطالعه افراد افزوده می‌شود از شدت گرایش به هویت محلی (قومی) آنان کاسته می‌شود.

تحلیل رگرسیون چندمتغیره هویت قومی؛ با استفاده از رگرسیون چند متغیره به پیش‌بینی و تبیین متغیر وابسته بر اساس مجموعه متغیرهای مستقل پرداخته شد. در این مدل رگرسیونی، هویت

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و یکم، تابستان ۱۳۹۸

محلی (قومی) به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای احساس محرومیت، میزان مطالعه، میزان تحصیلات، رضایت از زندگی، هم‌چنین رضایت از دیگران، علائق قومی (شامل علاقمندی به تاریخ و مفاخر بومی، علاقمندی به پوشش و لباس بومی و گوش دادن به موسیقی محلی) به عنوان متغیرهای مستقل وارد مدل گردیده‌اند. نتایج بدست آمده از رگرسیون چند متغیره به شرح جدول زیر است.

جدول (۱۰): خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره برای هویت محلی (قومی)

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	اشتباه معیار میانگین
۱	۰/۵۴۵	۰/۲۹۷	۰/۲۸۴	۰/۸۲۵۱

جدول (۱۱): ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده هویت محلی (قومی)

مدل	مجموعه درجات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
تبیین شده	۹۲/۷۲۲	۶	۱۵/۷۸۷	۲۳/۱۶۶	۰/۰۰۰
تبیین نشده	۲۲۴/۱۲۰۴	۳۲۹	۰/۶۸۱		
کل	۳۱۸/۹۲۶	۳۳۵			

بر اساس نتایج رگرسیون چند گانه، ضریب همبستگی چند گانه برای متغیر هویت قومی $R=0/545$ می‌باشد. مقدار گزارش شده همبستگی قوی بین متغیرها را نشان می‌دهد. هم‌چنین مقدار ضریب تعیین $R^2=0/297$ مشخص می‌کند که ۳۰ درصد واریانس متغیر وابسته (هویت قومی) به وسیله متغیرهای مستقل انتخاب شده در مدل رگرسیونی قابل تبیین می‌باشد. جدول بعدی معنادار بودن آزمون آن‌ها را برای معادله رگرسیون نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۲: ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده هویت محلی (قومی)

مدل ۱	ضرایب استاندارد نشده		ضریب بتا رگرسیون استاندارد شده	آزمون T	معناداری
	ضرایب رگرسیون جزئی	اشتباه استاندارد			
مقدار ثابت	۱/۰۶۶	۰/۴۰۶		۲/۶۲۲	۰/۰۰۹
احساس محرومیت	۰/۳۱۱	۰/۰۵۰	۰/۳۰۰	۶/۱۸۳	۰/۰۰۰
میزان مطالعه	-۰/۰۹۸	۰/۰۲۹	-۰/۱۶۲	-۳/۴۳۳	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۰۸۷	۰/۰۷۴	-۰/۰۵۶	-۱/۱۷۵	۰/۲۴۱
رضایت از زندگی	۰/۱۲۰	۰/۰۴۵	۰/۱۲۲	۲/۶۷۴	۰/۰۰۸
رضایت از دیگران	۰/۲۷۰	۰/۰۶۸	۰/۱۸۷	۳/۹۷۹	۰/۰۰۰
علائق قومی	۰/۰۷۲	۰/۰۱۵	۰/۲۲۶	۴/۶۳۰	۰/۰۰۰

مقدار Sig گزارش شده تأیید می‌کند که مدل رگرسیون معنادار می‌باشد. و ضرایب استاندارد هر کدام از متغیرهای مستقل انتخاب شده در مدل نشان می‌دهد که احساس محرومیت بیش‌ترین اثر تقویتی را بر متغیر هویت قومی دارد. هم‌چنین مقدار β (بتا) گزارش شده برای متغیرهای تحصیلات و میزان مطالعه نشان می‌دهد که متغیرهای مذکور تأثیر منفی بر روی متغیر هویت قومی دارند بدین معنا که هر چه بر میزان مطالعه و تحصیلات افراد جامعه افزوده می‌شود از شدت گرایش آن‌ها به هویت قومی کاسته

می‌شود. با توجه به مقادیر گزارش شده در جداول مذکور مشخص می‌شود که در پیش‌بینی متغیر هویت محلی (قومی) به ترتیب میزان احساس محرومیت، علائق قومی، رضایت از دیگری و رضایت از زندگی بیش‌ترین تأثیر را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در جامعه ایران پرسش از هویت قومی و ارتباط آن با هویت ملی پرسشی اساسی و در خور توجه می‌باشد. قوم لک که در اقصی نقاط مختلف ایران و حتی کشورهای عراق و جمهوری داغستان پراکنده‌اند، نه کرد و نه لر بلکه جزو اقوام مستقل و اصیل ایرانی هستند که دارای قدمت تاریخی بوده و مؤید این ادعای پیشینه تاریخی، نتایج پژوهش‌های مشترک موزه ملی ایران، موزه تاریخ طبیعی پاریس و دانشگاه ماینس آلمان بر روی «دی.ان.ای» باستانی و ایزوتوپ نمونه‌های استخوان انسان از «تپه عبدالحسینی دلفان» از مناطق لک‌نشین لرستان منتشر شده در مجله ساینس (Gibbons, 2016) مبنی بر آغاز کشاورزی از منطقه مذکور پیش از بین‌النهرین می‌باشد. قوم لک در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران، همواره دارای همزیستی مسالمت آمیز فرهنگی با سایر اقوام خصوصاً اقوام کرد و لر بوده و همین نزدیکی و همزیستی باعث شده که برخی محققین به اشتباه آن‌ها را کرد، لر یا دارای هویت ترکیبی قلمداد نمایند. در حالی که قوم لک دارای هویت مستقل، و حوزه فرهنگی لکستان دارای میراث ادبی و فرهنگی ارزشمند ناشناخته و مغفول مانده می‌باشد که در زیر آوار هژمونی فرهنگی سایر اقوام مدفون شده و مفاخر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تاریخی، موسیقی، پوشش بومی (گلونی نماد هویتی) و میراث گران‌بهای ادبی این قوم به کام و نام سایر اقوام خوانش و معرفی می‌شود. این تحقیق در راستای شناخت هویت قومی لک‌های ایران که در چهار استان لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان متمرکز شده‌اند و دارای پیوستگی جغرافیایی نیز می‌باشند انجام گرفته است. بررسی مهم‌ترین مؤلفه تعیین کننده هویت نشان می‌دهد که زبان قوم لک (زبان لکی) جزو گروه زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی می‌باشد (دیبر مقدم، ۱۳۹۲) که در سال ۱۳۹۶ به شماره ۱۴۳۸ در فهرست آثار ناملموس ملی ایران ثبت شده است. هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قوم لک دارای چهار بعد هویتی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قوم مداری می‌باشد و افراد مورد مطالعه تمایل به برجستگی بعد اجتماعی هویت قومی دارند. در خصوص بررسی رابطه بین هویت قومی و هویت ملی یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف هویت قومی و هویت ملی به استثنای بعد سیاسی و قوم مداری، هماهنگی و همگرایی وجود دارد. به عبارتی ابعاد اجتماعی و فرهنگی هویت قومی و هویت ملی در حوزه همگرایی و هماهنگی و احساس محرومیت و قوم مداری در حوزه واگرایی و عدم هماهنگی با هویت ملی قرار گرفته‌اند. مقایسه میانگین دو متغیر هویت قومی و هویت ملی نشان می‌دهد که در بین مردمان لک گرایش به هویت ملی قوی‌تر از گرایش به هویت قومی است. تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که ۳۰ درصد واریانس متغیر هویت

قومی و ۱۳ درصد واریانس متغیر هویت ملی به وسیله متغیرهای مستقل انتخاب شده در مدل رگرسیونی قابل تبیین می‌باشد. ضرایب استاندارد نشان می‌دهد که احساس محرومیت بیش‌ترین اثر تقویتی را بر متغیر هویت قومی و باستان‌گرایی و علائق قومی (مثل موسیقی، پوشش و لباس محلی، و افتخار به مفاخر بومی) بیش‌ترین اثر تقویتی را بر هویت ملی دارد. بنابراین هرگونه تلاش برای حفظ و نگهداری و تقویت زبان و ادبیات لکی، پوشش سنتی و موسیقی بومی قوم لک به معنای تقویت هویت ملی است. و همچنین متغیر تحصیلات در هویت قومی نقش تضعیف بخش و در هویت ملی نقش تشدید بخشی را ایفا می‌نماید.

نکته مهم در بین عوامل تشدید بخش هویت قومی سهم قابل اعتنا و غیرقابل چشم‌پوشی احساس محرومیت در گرایش افراد به هویت‌های قومی می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان از همزیستی مسالمت آمیز اقوام کرد، لر و لک در کنار یکدیگر داشته اما شکل‌گیری پدیده احساس محرومیت می‌تواند تضعیف بخش وحدت ملی باشد. توسعه نامتوازن، عدم توزیع مناسب ثروت در کشور و آمار بالای بیکاری و تشدید روز افزون آن در مناطق لک‌نشین ایران در استان‌های چهار گانه مورد مطالعه اعم از لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان موجب شکل‌گیری پدیده احساس محرومیت در بین مردمان لک شده است. مناطق لک‌نشین دارای بیش‌ترین آمار بیکاری در منطقه و حتی کشور بوده و از لحاظ شاخص‌های توسعه یافتگی از کم‌ترین میزان توسعه‌یافتگی برخوردارند. شواهد و قرائن موجود مؤید این ادعاست. برای مثال در استان لرستان سهم شهرستان لک‌نشین دلفان از جمعیت استان تقریباً ۱۰٪ بوده اما سهم این شهرستان از زیرساخت‌های صنعتی ۰/۰۶ درصد می‌باشد (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۴۵) و همچنین نتایج پژوهش صالحی امیری (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که نه تنها استان‌های قومی در قیاس با سایر استان‌ها دیگر محروم‌ترند بلکه وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها طی برنامه‌های پنج ساله بهبود نیافته و شدت نابرابری از ۰/۴۰ به ۰/۵۱ افزایش یافته است و یا نتیجه تحقیقات نگارنده نشان می‌دهد که این مناطق به زبان اینگله‌هاری در دوره کمیابی به سر می‌برند (رضائیان، ۱۳۸۳). همچنین نتایج مطالعه محمدی و دیگران (۱۳۹۱) در مورد شاخص‌های توسعه نشان می‌دهد که مناطق لک‌نشین استان لرستان (شهرستان‌های دلفان، کوه‌دشت و سلسله) دارای کم‌ترین میزان توسعه در بخش صنعت در قیاس با سایر شهرستان‌های استان می‌باشند. این طرد شدگی و احساس محرومیت، از یک طرف فرآیند قوم‌گرایی را تشدید نموده به گونه‌ای که آن‌را در صدر عوامل تشدید بخش گرایش به هویت قومی قرار داده و از طرف دیگر در آن را درحوزه واگرایی و عدم هماهنگی با هویت ملی قرار می‌دهد. با عنایت به اصل حفظ وحدت ملی در جامعه کثیر القوم ایرانی می‌توان با توزیع عادلانه منابع، اجرای برنامه‌های توسعه‌ای هدفمند و محرومیت‌زدا، و همچنین اتخاذ تصمیمات درست و عملی زمینه تداوم همزیستی مسالمت‌آمیز و وحدت بخش اقوام ایرانی را کما فی سابق فراهم نموده و استمرار بخشید.

با توجه به مواردی ذکر گردید پیشنهادهای زیر جهت تقویت هویت ملی و هویت قومی پیشنهاد می‌گردد:

- شناخت چپستی و چگونگی هویت اجتماعی اقوام ساکن در کشور ایران نیازمند مطالعات نظری و آکادمیکی می‌باشد. پیشنهاد می‌شود که جهت شناخت هر چه بیش‌تر جامعه ناشناخته ایرانی، کرسی‌های قوم‌شناسی در دانشگاهها دایر گردد.

- علائق زیبایی‌شناختی بومی که شامل موسیقی، زبان، پوشش و لباس محلی و هم‌چنین مفاخر و مشاهیر بومی بوده، دارای همبستگی و اثربخشی مثبت بر هویت ملی می‌باشد. بنابراین حفظ و تقویت این علائق بومی ضرورت انکار ناپذیر است. این مسأله زمانی اهمیت حیاتی خود را نشان می‌دهد که خطر هجمه فرهنگی غرب را مد نظر قرار داده که سیلاب بنیان بر افکن مدرنیته تمام خرده فرهنگ‌های بومی را تهدید حیاتی می‌نماید. بنابراین پرداختن به این علائق زیبایی‌شناختی بومی در شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های استانی و کشوری زمینه‌ی تقویت بنیان‌های هویت ملی را فراهم می‌نماید.

- احساس طردشدگی و احساس محرومیت تضعیف بخش وحدت ملی می‌باشد. مهم‌ترین تهدید جامعه ایران خطر تضعیف یا از بین رفتن اصل همزیستی بین اقوام ایرانی است، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های ویژه دولتی در خصوص محرومیت‌زدایی و کاهش نابرابری در جامعه و خصوصاً استان‌های محروم کشور به جد پیگیری شده و با ارائه برنامه‌های عملیاتی و توسعه پایدار موجبات محرومیت‌زدایی فراهم گردد.

- آموزش زبان و گویش‌های بومی و محلی در کنار زبان فارسی و در اینجا مشخصاً زبان و ادبیات لکی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه هویتی و گنجاندن آن‌ها در مواد درسی نظام آموزشی کشور، می‌تواند نقشی حیاتی در حفظ میراث فرهنگی اقوام ایرانی ایفا نماید.

منابع

- احمدی، حمید. (۱۳۹۰). بنیادهای هویت ملی ایرانی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر. (۱۳۸۵). قوم لر. تهران: انتشارات آگاه.
- ایزدپناه، حمید. (۱۳۸۴). شاهنامه لکی. تهران: انتشارات اساطیر.
- برتون، رولان. (۱۳۸۴). قوم‌شناسی سیاسی. ترجمه‌ی ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- توسلی، غلامعباس و قاسمی، یارمحمد. (۱۳۸۱). مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی. مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۴. ص: ۲۵-۳.
- توسلی، غلامعباس و قلی‌پور، سیاوش. (۱۳۸۶). جهانی شدن و هویت فرهنگی قوم لک. مجله جامعه‌شناسی ایران. شماره ۳. ص: ۱۰۴-۸۱.

- جعفرزاده پور، فروزنده. (۱۳۹۴). سنجش هویت قومی ایرانیان. <http://fa.projects.sid.ir>
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه‌ی تورج یاراحمدی. تهران: انتشارات شیرازه.
- چلبی، مسعود و یوسفی، علی. (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۸، ص: ۳۲-۱۳.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی. تهران: انتشارات کمیل.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. مجله جامعه‌شناسی ایران. شماره ۳ و ۴، ص: ۱۶۴-۱۴۳.
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. تهران: انتشارات سمت.
- رابرتسون، رولند. (۱۳۸۱). جهانی شدن، تئوری اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه‌ی کمال پولادی. تهران: نشر ثالث.
- راولینسون، هنری. (۱۳۶۰). سفرنامه راولینسون. ترجمه‌ی سکندرامان الهی. تهران: انتشارات آگاه.
- ربانی، علی، ربانی، رسول و حسنی، محمد رضا. (۱۳۹۰). رابطه احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی. مجله جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۲. شماره ۲. ص: ۹۴-۶۷.
- رضائیان، علی. (۱۳۸۳). تغییرات فرهنگی در استان لرستان، پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
- صالحی امیری، علیرضا. (۱۳۸۸). مدیریت منازعات قومی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طباطبایی، جواد. (۱۳۹۱). ایدئالیسم. <http://www.azariha.org/>
- عالمی، مسعود. (۱۳۸۰). مطالعه برجستگی‌های هویت در ایران. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- عبدی، رضا. (۱۳۹۱). درآمدی بر هستی‌شناسی زبان لکی. خرم آباد: انتشارات سیفا.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۱). همسازی و تعارض در هویت و قومیت. انتشارات گل آذین.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۹۳). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی هویت در ایران. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- محمدی، جمال و دیگران. (۱۳۹۱). بررسی سطح توسعه‌یافتگی استان لرستان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۵. ص: ۱۴۹-۱۳۸.
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۶). جایگاه هویت در پایان نامه‌های دانشجویی. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۳. ص: ۳۵-۲۱.
- ملشویچ، سینشا. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی قومیت. ترجمه‌ی رشید احمدش. تهران: جامعه‌شناسان.

- میرزایی، حسینعلی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی هویت قومی و دینی دانشجویان دانشگاه تبریز. طرح پژوهشی معاونت پژوهش و فناوری جهاد دانشگاهی، استان آذربایجان شرقی.
- مینورسکی، ولادیمیر فئودوروویچ. (۱۳۷۹). کرد. ترجمه‌ی حبیب‌اله تابانی. تهران: نشر گستره.
- هاشمی، عبدالرضا. (۱۳۹۲). سیمای توسعه در استان لرستان. فصلنامه توسعه اجتماعی. شماره ۴. ص: ۱۳۰-۱۴۷.
- هال، استوارت. (۱۳۸۲). هویت‌های قدیم و جدید. ترجمه‌ی شهریار وقفی‌پور. فصلنامه ارغنون. شماره ۲۴. ص: ۳۰-۴۵.

- Anonby, Erik John. (2015). Kurdish or Luri? Laki's disputed identity in the Luristan province of Iran. <https://carleton.ca/french/people/erik-anonby..>
- Ashcرفت, B. & Griffiths, G. & Tiffin H. (1998). Key Concepts in post colonial studies. London: Routledge.
- Chandra, Siddharth and Angela Williams Foster. (2005). The "Revolution of Rising Expectations, Relative Deprivation, and the Urban Social Disorders of the 1960s. *Social Science History*. 29:2 (summer 2005), 299-332.
- Eriksen, Thomas H. (1993). *Ethnicity and nationalism*, London: Pluto press.
- Gibbons, Ann. (2016). www.sciencemag.org/news/2016/07/worlds-first-farmers-were-surprisingly-diverse.
- Hermansen, Marcia and Mahruq F. Khan. (2009). South Asian Muslim American Girl Power: Structures and Symbols of Control and Self-Expression. *Journal of International Women's Studies* Vol. 11 #1 November 2009: 86-104
- Thomson, Andrew. (2001). National Identities and human agency the sociological review. vol49.no1.
- Turner, C. & Haslem, S. (2001). *Social Identity, Organization and Leadership*. London: Lawrence Erlbaum Association's Publishers.